

کلام امام خمینی:

«المعروف بينهم أنّ الأمر مشترك لفظی بین الطلب و غیره، و الأول معنی حدثی یصحّ منه الاشتقاق، ک «أمر یأمر»، و الثانی لیس كذلك، سواء كان واحداً يساوق الشيء، أو الأخصّ منه كما هو الظاهر، أو متعدداً. و فيه: أنّ الموضوع للمعنی الحدثی القابل للانتساب الّذی منه یصحّ الاشتقاق، هو المادّة الساریة فی المشتقات كما هو شأن سائر موادّ المشتقات، و الموضوع للمعنی الآخر أو المعانی الآخر هو لفظ الأمر جامداً كلفظ إنسان و شجر، فلا معنی للاشتراك فيه، و لعلّ من ذهب إليه كان ممّن یرى المصدر مادّة المشتقات، و جرى غیره علی منواله من غیر توجهه إلی تالیه. و ممّا ذكرنا یتّضح فساد القول بالاشتراك المعنوی بین المعنی الحدثیّ و غیره، مضافاً إلی أنّ الجامع بینهما لا یكون حدثیاً، فلا یمكن منه الاشتقاق إلاّ بنحو التجوز، و هو كما ترى.»^۱

توضیح :

۱. در بین اصولیون، مشهور شده است که امر مشترک لفظی است بین طلب و غیر طلب.
۲. در حالیکه وقتی به معنای طلب است، معنای حدثی است که قابل صرف شدن است و وقتی به معنای غیر طلب است، معنای حدثی نیست.
۳. در جایی که به معنای غیر طلب است، ممکن است بگوییم یک معنی است که مساوق باشیء است [و لذا مشترک معنوی است نسبت به بقیه معانی] و یا بگوییم یک معنی است ولی اخص از شیء است. و یا بگوییم چند معنی است [یعنی برای هر یک از معانی دیگر هم وضع علی حده وجود داشته و لذا اطراف اشتراک لفظی بیشتر شود].
۴. اما این کلام مشهور کامل نیست چراکه:
۵. [مقدمه اول: در اشتراک لفظی باید یک لفظ باشد و چند معنی ولی اگر دو لفظ باشد و دو معنی، اشتراک لفظی حاصل نمی شود.
- مقدمه دوم: ماده مشتقات چیست؟ آیا «أ م ر» است و یا امر (مصدر) است. حضرت امام ماده را «أ م ر»، - و نه مصدر - می دانند]
۶. بین «أ م ر» که ماده «امر یأمر» است و قابل صرف شدن و اشتقاق گیری است، با «امر» به معنای شیء، اشتراک لفظی برقرار نیست چراکه اینها دو لفظ هستند و نه یک لفظ.
۷. البته ممکن است کسی قائل به اشتراک لفظی بوده و ماده مشتقات را مصدر می دانسته است و بقیه اصولیون - که در این قول با او هم عقیده نبوده اند - هم بدون توجه، از او تبعیت کرده اند.
۸. با توجه به آنچه گفتیم اشکال قول به «اشتراک معنوی بین معنای حدثی و معنای غیر حدثی» معلوم می شود [چراکه

۱. مناہج الوصول، ج ۱، صفحہ ۲۳۸



در اشتراک معنوی باید یک معنی و یک لفظ باشد با چند مصداق در حالیکه «أ م ر» و «امر» دارای لفظ واحد و معنی واحد نیستند.]

۹. مضافاً اینکه قدر مشترک بین معنی حدثی و معنی غیر حدثی، یک معنی حدثی نیست و لذا از آن نمی توان اشتقاق گیری کرد. - مگر اینکه قائل به آن شویم که هرگاه آن را صرف کردیم، در معنای حدثی و مجازی استعمال شده است. که این هم حرف باطلی است. -

ما می گوئیم:

(۱) تصویر جامع بین معنای حدثی و معنای غیر حدثی، به شرطی ممکن نیست که جامع بخواهد به شرط لای از حدت باشد ولی اگر لا بشرط از حدت باشد، تصویر جامع ممکن است. به عنوان مثال جامع بین انسان و حیوانات دیگر اگر بخواهد حیوان به شرط لای از ناطق باشد، باطل است چراکه این مفهوم قابل انطباق بر انسان نیست ولی اگر «حیوان لا بشرط از ناطق» را به عنوان قدر جامع اخذ کردیم، می توانیم آن را بر انسان حمل کنیم. پس جامع بین «معنای حدثی قابل اشتقاق» و «معنای غیر حدثی = شیء» اگر «معنای لا بشرط عن الحدث» باشد، مشکله ای موجود نخواهد بود.

(۲) اما اشکال حضرت امام درباره ماده ام ر کامل است ولی بالاخره در «امر» (به همین صورت و با همین شکل) - اگرچه آن را ماده ندانیم - بحث از اشتراک لفظی جریان می یابد.

جمع بندی:

۱- امر دارای دو مستعمل فیه می باشد؛ یکی جامد (که نزدیک ترین معنی آن، شیء است، اگرچه در هر جا که شیء اطلاق می شود امر اطلاق نمی شود، مثل «جواهر» و برخی از موارد هم امر استعمال می شود که شیء قابل استعمال نیست مثل «امر فرعون برشید» یا «امر فلان معجب» یا «امرهم شوری بینهم» و یکی قابل اشتقاق (که در فارسی معادل آن فرمان و دستور است و لذا طلب مخصوص، ترجمه مناسبی برای آن نیست)

۲- اما با توجه به آنچه گفتیم نمی توانیم به طور قطع حکم به اشتراک لفظی بین برخی از معانی یا اشتراک معنوی و یا حقیقت بودن در یک معنی و مجاز بودن در معانی دیگر دهیم.

